

جایگاه و نقش ادبیات در تبلیغ آموزه‌های دینی با تأکید بر شعر

علی اکبر فراتی*

چکیده

تبلیغ، از ابزارهای گوناگونی برخوردار است و یکی از مهم‌ترین ابزارهای کارآمد تبلیغ، ادبیات و هنر است که خود، قالب‌های متعددی دارد و در دین اسلام نیز بدان توجه شده است. علاوه بر قرآن کریم معجزه بیانی پیامبر صلی الله علیه و آله، فصاحت و بلاغت بالای معصومان علیهم السلام و نیز تسلط ایشان بر ادبیات کهن و معاصر خود و بهره‌گیری از آن در سخنان و احادیث از طرفی، و نیز حمایت مادی و معنوی از ادبا و شاعران مبلغ دین و تشیع، توصیه مردم برای اقبال به این ادیبان مبلغ، و جذب و هدایت فکری فرهنگی ایشان از سوی دیگر، اهمیت توجه به ادبیات در امر تبلیغ را روشن می‌کند. در ضمن، بررسی گونه‌های ادبی شعر و نثر در کلام امامان و پیروانشان، از سویی دارای زیبایی‌های لفظی در کنار محتوا و معنای والا بوده و از رمز و تشبیه و استعاره برای رساندن پیام دین بهره گرفته است و از طرفی، حامل شرح و بسط یا انعکاس برخی تفصیلات یا نسخ‌ها در روایات نیز بوده است که به انتقال مفاهیم به جامعه کمک می‌کرده است. پژوهش حاضر، سعی دارد با ذکر نمونه‌هایی، اهمیت این موضوع را در تبلیغ بارز سازد تا مبلغ امروزی از ابزارهای مؤثر، نظیر ادبیات و هنر، به فراخور نیاز روز بهره‌گیرد.

کلیدواژه‌گان

ادبیات و تبلیغ، ادبیات اهل بیت علیهم السلام، شیوه‌های تبلیغ.



این نوشتار، برآن است تا ضمن بررسی ادبیات نزد پیشوایان دین به اهمیت، جایگاه و نقش آن در تبلیغ آموزه‌های دینی تأکید کند. دین اسلام همواره به ادبیات توجه داشته و علاوه بر مجهز شدن به آن برای ترویج آموزه‌های دین و دفاع از آن و مقابله با دشمنان، به سرمایه‌گذاری در این امر همت گمارده و کادرسازی و جذب افراد مستعد این حوزه را در دستور کار و برنامه‌های خویش قرار داده است.

قرآن به عنوان کتاب آسمانی دین ما، در بالاترین درجه ادبی است و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله «أَفْضَحُ مَنْ نَطَقَ بِالضَّادِ» است و امیر مؤمنان، علی علیه السلام و دیگر معصومان علیهم السلام، امیران کلام هستند. تأثیر این ادبیات قوی و بلاغت والا در کنار محتوا و مضمون ارزشمند، یکی از بی نظیرترین ابزارها در تبلیغ را فراهم آورده است.

در این مقاله، بیشتر نمونه‌ها از ادب شعری فراهم شده است، ولی این، تنها قالبی از ادبیات است و بیانگر این اصل که ادبیات و هنر به طور کلی می‌تواند در تبلیغ آموزه‌های دین، بسیار مهم و مؤثر باشد. این موضوع، مستلزم آن است که مبلغان نیز خود در حدّ توان و فراخور نیاز روز، به این امر آشنا و مسلط باشند و بتوانند زمینه مناسبی را جهت استفاده از ادبیات افراد ذی‌صلاح و توانمند در جهت پیشبرد اهداف دین فراهم آورند. این هر دو، علاوه بر اینکه از یک سو به سیاست‌گذاری‌های سازمانی و برنامه‌ریزی‌های ستادی و کلان بازمی‌گردد، از سوی دیگر که مهم‌تر و مؤثرتر است، در بخش مجریان این برنامه‌ها، یعنی مبلغان گرامی قابل پیگیری و اجراست.

نگاه اسلام به ادبیات

در بررسی قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین و نخستین منبع شناخت در اسلام، دو مسئله در باب ادبیات جلوه می‌کند؛ نخست، رویکرد قرآن کریم به کلام و بیان و ادب. قرآن، معجزه رسول خاتم، معجزه‌ای بیانی است و ادب قرآن، کلامی است در بالاترین سطح بلاغت که در لفظ و محتوا هماوردجویی کرده است (ر.ک: بقره، آیه ۲۳؛ یونس، آیه ۳۸؛ هود، آیه ۱۳).

درباره بلاغت قرآن بسیار سخن گفته شده و کتاب‌های تخصصی به نگارش درآمده که با توجه به هدف و موضوع این نوشته، مجال تفصیل آن نیست.

دوم، نگاهی که قرآن کریم به شعر و شاعری دارد. اگر این مسئله به طور کامل دیده نشود و قرآن به مثابه یک کل بررسی نگردد، بی‌تردید، حاصلی جز کژئی در برداشت نخواهد داد؛ اما نگاه قرآن به شعر ظاهراً با نکوهش شاعران و بری دانستن پیامبر از شاعری گره خورده است؛ آنجا که فرموده:

«وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ * وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ (شعراء، آیه ۲۲۴-۲۲۶)؛ [پیامبر اسلام، شاعر نیست]. شاعران، کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند. آیا نمی‌بینی آنها در هر وادی سرگردانند؟ و سخنانی می‌گویند که [به آن] عمل نمی‌کنند؟»

در توضیح این آیه، گفتنی است که شاعران به چند ویژگی نکوهش شده‌اند؛ نخست اینکه شعرشان، شیطانی است؛ نه آسمانی و هدایت‌کننده. از این‌رو، مورد پیروی گمراهان است و هرکس آنان را دنبال کند، از حق دورتر می‌گردد؛ اما سخن پیامبر ﷺ چنین نیست؛ بلکه عین حق و هدایت است. دوم اینکه شاعران این‌چنینی در هر وادی و موضوعی و هر محتوایی سرگردان شعر می‌گویند؛ بدون هدفی والا و بی‌هیچ نظام فکری منسجم و قابل اتکا. سوم آنکه قائل به قول خود نیستند و به سروده‌هایشان ایمان و باور قلبی ندارند و در واقع، کردارشان تأییدکننده گفتارشان نیست. برای به دست آوردن جاه و منال، زبان به تملق می‌گشایند؛ چنان‌که هجویشان نیز از روی ناراحتی و بر اساس امیال مادی است. به طور کلی، اینان شعر و ادبشان، از سرِ اعتقاد قلبی نیست.

اما اگر شاعران از اوصاف مذکور برحذر باشند و اهل باور به دین و کوشا در عمل به گفته‌های خویش باشند، مورد تأیید و مدح دین هستند؛ چنان‌که در آیه بعد می‌خوانیم:

«إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَ انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا، وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (شعراء، آیه ۲۲۷)؛ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می‌کنند و به هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند، به دفاع از خویشان [و مؤمنان] برمی‌خیزند [و از شعر در این راه کمک می‌گیرند]. آنها که ستم کردند، به‌زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست.»

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز در این باره فرمود: «إِنَّ مِنَ الشُّعْرِ لِحِكْمَةٌ وَ إِنَّ مِنَ الْبَيِّنَاتِ لَسِحْرًا (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۷۹)؛ برخی از شعرها، حکمت است و بعضی از سخن‌ها، افسونگر.»



ادبیات در خدمت تبلیغ دین

ادب، برای هر ایدئولوژی و مکتبی، به مثابه زبان گویای آن است و اسلام نیز از این امر مستثنا نیست. به گفته علامه حکیمی: «به هیچ فرهنگی و به هیچ جهان بینی و به هیچ مسلک اعتقادی و نظام سیاسی و حرکت اصلاحی و تحول آزادی بخشی، بی داشتن ادبیات نمی توان خدمت کرد» (حکیمی، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

اهمیت ادب را نزد اهل بیت عصمت و طهارت و حضرات معصومان علیهم السلام، از سه جنبه باید مورد مطالعه قرار داد: جایگاه ادبی و بلاغی امامان علیهم السلام؛ تسلط بر ادبیات روز؛ ترغیب مبلغان و ادیبان و شاعران پایبند به ارزش ها.

۱. جایگاه ادبی و بلاغی اهل بیت علیهم السلام

امامان علیهم السلام خود در ادب و شعر بر فراز بودند و در عرصه های گوناگون، اعم از مبارزه و ترویج و تبلیغ دین، از آن بهره می بردند. نمونه بارز آن، در ادبیات والا و آگاهی بخش امیر بیان در نهج البلاغه جلوه می کند. نهج البلاغه به عنوان ادبیات نثری، خود به تنهایی بزرگترین نشانه اهمیت ادبیات نزد امامان علیهم السلام و جایگاه والای ایشان در ادبیات است.

ادب نزد اهل بیت و حضرات معصومان علیهم السلام، بسیار ریشه دار و قوی و با اهمیت بوده است. امیر مؤمنان، علی علیه السلام، امیر بیان است و خود می فرماید:

«إنا لأمرء الکلام، فینا تشبیت عروقه و علینا تهدلت غصونه (نهج البلاغه، خ ۲۳۳)؛ ما امیران سخنیم. رگ های آن، در میان ما ریشه کرده است و شاخسارانش بر ما فرو افتاده است.»

ابن ابی الحدید که در وصف فصاحت امیر سخن و قواعد سخنوری، بسیار مطلب دارد (ر.ک: فراتی، ۱۳۸۷، ۲۴۳-۲۶۸)، مطلبی را از معاویه می آورد؛ گواه بر اعتراف حتی دشمنان به بلاغت علی علیه السلام:

«وقتی محفن بن ابی محفن به معاویه گفت: «جئتک من عند أعیاء الناس؛ از نزد ناتوان ترین مردمان به نزد تو آمده ام»، معاویه به او گفت: وای بر تو! چگونه او ناتوان ترین مردمان باشد؛ حال آنکه به خدا قسم، فصاحت را جز او برای قریش بنیان نهاد (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۰۱).

ابن ابی الحدید امام را «إمام أرباب صناعة البدیع» خوانده (همان، ج ۶، ص ۳۴۸) و این سطح سخنوری را علمی لدنی و تعلیم الهی به حضرت می داند (همان، ج ۱۳، ص ۱۰۹).

امامان شیعه همه در سطح بالای سخنوری و خطبه سرایی بودند. این حقیقت، در سخنان کوتاه و

بلند برجای مانده از ایشان جلوه‌گر است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام فرمود: «رَبُّ قَوْلٍ أَنْفَعُ مِنْ صَوْلٍ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۲). ادبیات درخور و شیوا، خود ابزاری فرهنگی و نرم در جهت تبلیغ ارزش‌هاست؛ چنان‌که شمشیری در دست دشمن نیز می‌تواند باشد. بنابراین، راه مقابله با چنین شمشیری، مسلح شدن به آن است.

این ابزار تبلیغی است که حضرت زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام، پیام‌آور عاشورا، از آن به بهترین شکل برای رسوا سازی دشمن و روشنگری مردم بهره گرفتند.

دعا، به عنوان یکی از مهم‌ترین قالب‌های نثر ادبی است که همه پیشوایان دین بدان اهتمام داشته‌اند و با بلاغت در لفظ و ظاهر و علو معنا و مضمون تأثیر شگرفی بر اهل ایمان گذارده‌اند، دعاها و مناجات‌هایی همچون: دعای کمیل، مناجات شعبانیه، دعای عرفه و صحیفه سجاده، به مثابه اوج ادب دعایی از قالب‌های ادبیات نثری امامان علیهم السلام، نمونه‌هایی از این امر هستند که در خود، آموزه‌ها و معارف فراوان و ژرفی دارند؛ همچنان‌که این گونه ادبیات، در جهت ایجاد حس و حال معنوی در مخاطب، نقش انگیزشی مهمی دارد.

امام سجاد علیه السلام در آن شرایط سخت، برای تبلیغ دین دعا را برگزید. از این رو، آموزه‌های دینی، در قالب دعا ریخته شد و با آهنگی اثرگذار و شیوه‌ای بلاغی، مردم را با تعالیم اسلام حقیقی آشنا ساخت؛ اما دعا در یک ظرف ادبی، نفوذ چند برابر دارد. ادبیات دعای معصومان علیهم السلام در کنار آداب دعا، مؤثر واقع شده است. از همین رو، نهج البلاغه «أخو القرآن»، و صحیفه سجاده «أخت القرآن» لقب گرفته است و این، از باب سنخیتی است که در لفظ و معنا با کتاب الهی دارد.

اما علاوه بر سخنرانی‌ها و خطابه‌های امامان و سایر معصومان علیهم السلام، احادیث کوتاه و بلند ایشان، از بلاغت بالا و علو لفظ به همراه ژرفایی محتوا برخوردار است. شعر، یکی از مهم‌ترین قالب‌های ادبی بوده است که به واسطه جایگاه آن نزد عرب، کارکرد بسیار اثربخشی در امر تبلیغ دین داشته است. برخی از نمونه‌های استفاده از شعر در جهت تبیین یا ترویج آموزه‌های دین توسط امامان علیهم السلام به شرح ذیل است:

الف. معاویه در نامه‌ای به امیر مومنان، علی علیه السلام، خود را صاحب فضایل خوانده بود و گفته بود: من پدرم در جاهلیت سروری داشت و خودم در اسلام ملک شاهی دارم، خویشاوند پیامبر و خال المؤمنین هستم و کاتب وحی. امام وقتی نامه وی را خواند، فرمود: آیا کسی چون فرزند زن



جگرخوار بر ما به فضایل فخر فروشد؟ آنگاه در پاسخ به نامه او چنین املا نمود:

مُحَمَّدُ النَّبِيُّ أَحْيَىٰ وَصِهْرِي وَ حَمْرَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ عَمِّي
و پس از آن، ابیاتی را انشا کرد؛ از جمله:
وَ أَوْجَبَ لِي وَلَا يَتَّهَ عَلَيكُمْ رَسُولُ اللَّهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمِّ
وَ أَوْصَىٰ بِي لِأُمَّتِهِ لِحُكْمِي فَهَلْ فِيكُمْ لَهُ قَدَمٌ كَقَدَمِي
فَوَيْلٌ لِّكُمْ وَوَيْلٌ لِّكُمْ وَوَيْلٌ لِّجَاحِدِ طَاعَتِي مِنْ غَيْرِ جُرْمِي

تأثیر این ابیات که سابقه درخشان امام و فضایل ایشان از آغاز تا غدیر را نشان می‌داد، آن قدر برای معاویه روشن و البته گران بود که همان جا به پیک دستور داد نامه را پاره کند تا مردم شام آن را نخوانند؛ زیرا اگر چنین شود، شامیان همگی به فرزند ابی طالب خواهند گروید (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۱۷۰).

ب. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا اشعاری را به عنوان رجز خواند که جنبه هدایت و تبیین داشت. یکی از بلندترین این اشعار، شعری با مطلع ذیل است که در آن، هم خود را برای غفلت زدایی از مردم معرفی کرد و هم به آسیب شناسی دین داری آنان پرداخت و معارفی را در ابیات متعدد بیان فرمود:

كَفَرَ الْقَوْمُ وَ قَدَمًا رَغِبُوا عَنْ ثَوَابِ اللَّهِ رَبِّ الثَّقَلَيْنِ
(همان، ج ۴، ص ۷۹).

همه امامان ما، در جایگاه‌های متعدد، حتی در زمانی که در تنگنای خفقان اموی و عباسی بودند، از ابزار ادب و شعر برای مبارزه و برای تبلیغ بهره گرفته‌اند و یکی از عواملی که بسیاری را به شنیدن کلام حق ایشان فرامی‌خواند، گیرایی، شیوایی، فصاحت و بلاغت سخن این بزرگواران بوده است. اهل بیت علیهم السلام که هم‌تراز قرآن هستند، همچون قرآن دارای ادبیات قوی و بلاغتی اعجازگونه بوده‌اند که مخاطب را جذب می‌کرده و در مقابل عظمت آن به گرنش و می‌داشته است؛ از معروف‌ترین جلوه‌های شعری آن بزرگواران، در شعر معروف امام هادی علیه السلام در دربار

متوکل بروز نموده است. ایشان با این شعر، خلیفه جائر را برآشفته و بزم او را بر هم زد:
بَاتُوا عَلَي قُلُلِ الْأَجْبَالِ تَحْرُسُهُمْ غُلْبُ الرِّجَالِ فَلَمْ تَنْفَعَهُمُ الْقُلُلُ
(کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۴۲).

«بر فراز سستیغ کوه‌ها شب گذراندند؛ درحالی که مردان نیرومند ستبر از آنها پاس داری می‌کردند؛

ولی آن بلندی‌ها، سودشان نبخشید.»

و در جاهای مختلف از کلام پیامبر ﷺ و سایر حضرات معصومان علیهم‌السلام، شاهد سخنانی فصیح و بلیغ هستیم (ر.ک: ری شهری، ۱۳۷۷، مدخل‌های: البلاغه، الکلام، اللسان، الشعر).

۲. تسلط بر ادبیات قدیم و جدید

ایشان بر ادبیات رایج و شعر مسلط بودند؛ خواه قدیم خواه جدید، و از اشعار شاعران و گفته‌های دیگران در سخنان خود بهره می‌گرفتند و بدان تمثیل می‌جستند و این همه، نشان از مطالعه دقیق و اشراف ایشان بر ادبیات گذشته و معاصر خود بوده است؛ همان‌طور که نشانه اهمیت و تأثیر آن در مخاطب است.

امام علی علیه‌السلام با آن پایه بلاغی و ادبی، در سخنان خود به اشعار شاعران جاهلی تمثیل جسته است و در نهج البلاغه پانزده بیت و چهار مصراع آمده که حضرت به شعر دیگران تمثیل جسته‌اند. آن حضرت در خطبه شقشقیه که در اوج دل‌سوختگی و درد بیان شده است، بیتی از اعشی، شاعر جاهلی را می‌خواند:

سَتَّانَ مَا يَوْمِي عَلَى كُورِهَا
وَيَوْمُ حَيَّانَ أَخِي جَابِرِ
(نهج البلاغه، خ ۳).

تمثیل امام علی علیه‌السلام و دیگر امامان به اشعار شاعرانی مانند اعشی و ابوذؤب هذلی، بر اهمیت این امر حکایت دارد.

تکمیل شعر دعبل توسط امام رضا علیه‌السلام در وزن و قافیه خود قصیده، آنجا که فرمود دو بیت دیگر بر آن بیفزایم تا قصیده‌ات کامل آید، گواه روشنی بر این مطلب است؛ «أَفَلَا أُلْحِقُ لَكَ بِهَذَا الْمَوْضِعِ بَيْتَيْنِ بِيَمَانِ تَمَامُ قَصِيدَتِكَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ص ۲۶۳).

آنگاه حضرت فرمود:

وَقَبْرٌ بِطُوسٍ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ
تَوَقَّدْتُ فِي الْأَحْشَاءِ بِالْحُرُوقَاتِ
إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا
يُفْرِجُ عَنَّا الْهَمَّ وَ الْكُرْبَاتِ (همان).

این قدرت و نبوغ شعری و ادبی، قطعاً علاوه بر علم لدنی و استعداد ذاتی، با اهتمام ایشان از کودکی در تربیت و رشد این قریحه و ذوق ادبی همراه بوده است تا همگان را الگو باشد. همچنین، استفاده از این امر در راه تبلیغ و ترویج آموزه‌های دین، نه برای نشان دادن این توان که



برای نشان دادن اهمیت امر ادبیات در انتقال فرهنگ اصیل و تبلیغ دین صورت گرفته است. اینکه امامان در وزن شعر کسی شعری بسرایند، چونان که شاعران برای ابراز توانمندی چنین می‌کردند، نمونه بسیار دارد؛ برای مثال، امام حسین علیه السلام در حال نماز بودند که یک نفر اعرابی بر در کوفت و شعری برای طلب کمک خواند. بیتی از آن شعر، چنین است:

لَمْ يَخْبِ الْيَوْمَ مَنْ رَجَاكَ وَمَنْ
فَأَنْتَ ذُو الْجُودِ أَنْتَ مَعْدُنُهُ
حَرَكَ مِنْ خَلْفِ بَابِكَ الْحَلَقَةَ
أَبُوكَ قَدْ كَانَ قَاتِلَ الْفَسَقَةِ

امام علیه السلام نماز را سبک‌تر برگزار کرد و به سوی اعرابی رفت و چون او را بیچاره و ندار یافت، مالی به او داد و سه بیت با همان وزن و قافیه خواند که بیت نخست آن، چنین است:

خُذْهَا فإِنِّي إِلَيْكَ مَعْتَذِرٌ
وَاعْلَمْ بِأَنِّي عَلَيْكَ ذُو شَفَقَةٍ
(ابن عساکر، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰).

امثال این نمونه، در سیره اهل بیت علیهم السلام بسیار به چشم می‌خورد و قطعاً همه این موارد، ابزار و روشی برای جذب و ترویج معارف دین شمرده می‌شده است. ادبیات، ذاتاً گرایشی ایجاد می‌کند و از این روست که مبلغانی که از قریحه ادبی و بیان سخنان نغز برخوردارند، توفیق بیشتری در امر تبلیغ می‌یابند.

بنابراین، تسلط بر ادبیات، بحث مهمی است که باید مبلغان دینی و افسران جنگ نرم و فعالان فرهنگی حوزه و دانشگاه بدان مجهز گردند؛ چنان‌که امروزه مقام معظم رهبری، در این باره پیشرو و الگو هستند و پا جای پای پدران بزرگوارشان، ائمه هدی علیهم السلام گذاشته‌اند و در اهمیت دادن و تسلط ایشان به موضوع ادبیات، جای هیچ بحثی نیست.

۳. ترغیب و تشویق به ادبیات

ایشان علاوه بر آنکه اهل شعر و ادب و بلاغت بودند و شخصاً بدان اهتمام می‌ورزیدند، در جنبه اجتماعی نیز به ادبیات و شعر پایبند به اصول و ارزش‌ها و همسو با اهداف والا اهمیت می‌دادند؛ هم از آن در جهت پیشبرد اهداف دین و نشر تعالیم اسلام ناب و مقابله با دشمنان بهره می‌گرفتند و هم شاعران را به سه شیوه کلی، مورد حمایت خود قرار می‌دادند و افراد را به یادگیری و تعلیم شعر شاعران متعهد، تشویق می‌کردند. در ادامه، به بیان این سه شیوه می‌پردازیم:

۱-۳. حمایت مادی و معنوی از ادیبان

حمایت از شاعران و ادیبان ولایی و متعهد، گاه معنوی است و با دعا و فرستادن رحمت و استغفار برای شاعران است و در این زمینه، روایات متعددی در خصوص جزا و پاداش الهی در آخرت برای مجاهدان راه حق به تیغ زبان وجود دارد؛ چونان که بارها برای شاعران خود دعا کرده‌اند و پشتوانه معنوی بخشیده‌اند و انگیزه ایجاد کرده‌اند. این امر، نمونه‌های متعددی دارد و به روشنی نشانگر اهمیت این موضوع است.

کمیت در یکی از سال‌ها ایام تشریق در منا در حضور خانواده حضرت امام صادق علیه السلام شعر خود را برای ایشان انشا کرد و خاندان حضرت گریستند؛ تا آنجا که به این بیت رسید:

يُصِيبُ بِهِ الرَّامُونَ عَن قَوْسٍ غَيْرِهِمْ
فَيَا آخِرًا سَدَى لَه الْغَيِّ أَوْلُ

«تیراندازان، با کمان دیگران امام حسین علیه السلام را هدف تیر خود می‌ساختند. وای بر آن ستمکار آخر که زمینه تبهکاری و گمراهی را، آن ظالم نخست برایش فراهم آورد.»

امام صادق علیه السلام دستانشان را رو به آسمان بلند کرد و فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْكَمِيتِ مَا قَدَّمَ وَ مَا آخَرَ، وَ مَا أَسْرَّ وَ مَا أَعْلَن، وَ أَعْطِهِ حَتَّى يَرْضَى» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۹۴، ج ۱۷، ص ۲۰).

همو پیشتر نزد امام باقر علیه السلام وقتی قصیده‌اش را با مطلع «مَنْ لِقَلْبٍ مَّتِيْمٍ مُسْتَهَامٍ» انشاد کرد، امام برایش طلب غفران کرده بود. بار دیگری نیز امام هزار دینار به همراه یک لباس به او عطا کرد (همان).

این‌گونه روایات، در منابع مختلف به شکل‌های گوناگون ذکر شده است (بغدادی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۱۵۴).

دیگر شاعران نیز نزد امامان ابراز ادب کرده، شعر سروده‌اند و مورد حمایت حضرات معصومین علیهم السلام قرار گرفته‌اند؛ البته این حمایت‌ها و صله‌ها و جوایز که از سوی امام علیه السلام در جهت تبلیغ دین و ترویج آیین و منش اهل بیت علیهم السلام صورت می‌گرفت، نشان از اهمیت کار فرهنگی و به‌ویژه ادبیات اثرگذار دارد که می‌توان برای آن سرمایه‌گذاری مادی و معنوی کرد و افراد را در این راه حمایت نمود.

ماجرای انشاد قصیده تائبه دعبل نزد امام رضا علیه السلام معروف است. قصیده او به مطلع ذیل است:

تَجَاوَبْنَ بِالْإِرْنَانِ وَالرَّفْرَاتِ
نَوَائِحُ عَجْمِ اللَّفْظِ وَالنَّطْقَاتِ



این شعر، داستان مفصلی دارد؛ امام در اثنای گوش دادن به شعر دعبل، چند بار از هوش رفت و بارها او را تأیید و تشویق کرد و پس از آن، شعر را با دو بیت از خیر شهادت خویش تکمیل نمود و سپس، ده هزار درهم از سکه‌های مضروب به نام خود به دعبل بخشید. دعبل هر درهم را در عراق به ده درهم فروخت و صاحب ده هزار درهم شد.

شایان ذکر است که از ولایت‌مداری شاعران متعهد و مرزداری ایشان با دشمنان ولایت، نمونه‌هایی است که نشان از عدم تکسب ایشان به وسیله شعر دارد. در اینجا به ذکر یک نمونه بسنده می‌کنیم. معاویه هدیه‌ای همراه با شیرینی برای ابوالأسود دوئلی فرستاد. دختر ابوالأسود از پدر در باره آن پرسید. پدر که از اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام بود، گفت: آن را معاویه فرستاده تا با خدعه و نیرنگ ما را از دینمان خارج کند و دختر با نگاه ولی مدارانه و اشاره به ولایت امام علی علیه السلام آن را رد کرد و چنین سرود:

أَبِ الشَّهَدِ الْمُرْعَفِ يَا بَنَ حَرْبٍ
مَعَاذَ اللَّهِ كَيْفَ يَكُونُ هَذَا

نَبِيْعُ عَلِيْكَ أَحْسَابًا وَ دِيْنَا
وَ مَوْلَانَا أَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَا

(زمخشری، ۱۹۹۹، ج ۵، ص ۳۲۲).

حمایت مادی از شاعران در کنار پشتوانه معنوی و انگیزه مادی در کنار ترحم و دعا، وقتی اهمیت روشن تری پیدا می‌کند که بدانیم در روزگاری بس سخت و پُرفشار بر دوستان اهل بیت علیهم السلام این اتفاق رخ می‌داد؛ یعنی هنگامی که افراد برای دستیابی به دنیا از اعتقادات خود می‌گذشتند، برای رسیدن به ثروت و بهره‌مندی از حمایت دولتیان وقت، به تملق دربار و خلفا و امرا مشغول بودند و یا اینکه از زمان معاویه بخش‌نامه‌های حکومتی غلیظ و شدید و کمرشکنی علیه دوستداران علی علیه السلام ابلاغ شد و در زمان بنی امیه و بنی عباس به شکل‌های مختلف، انواع فشارها و تحریم‌ها علیه ایشان اعمال می‌شد و به کمترین اتهامی مبنی بر دوستی افراد با اهل بیت علیهم السلام، آنان را تبعید و زندانی می‌نمودند و به شهادت می‌رسانیدند. معاویه با صدور چندین بخش‌نامه حکومتی، ضمن امر به جعل احادیث و اقدامات دیگر، حکومت را از کسی که حتی فضایل امام علی علیه السلام و اهل بیتش را روایت کند، بریء الذمه دانست (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۶، ج ۱۱، ص ۳۶).

معاویه طی بخش‌نامه‌هایی، فشارهای خود را بر اهل بیت علیهم السلام و دوستداران ایشان افزایش داد. هیچ بلایی در عراق و به‌ویژه در کوفه، شدیدتر و سخت‌تر از این نبود؛ تا جایی که شیعیان علی،



حتی از دیدار دوستان شیعه‌شان که مورد اعتمادشان بودند، هراس داشتند و در سرداب خانه‌ها به طور مخفیانه دور از چشم حتی غلامان و کنیزانشان دیدار می‌کردند و اگر سخنی گفته می‌شد، با قسم‌های سنگین برای فاش نشدن همراه می‌شد. از سویی، کسانی دوستی آل‌الله را انکار می‌کردند و حدیث برمی‌ساختند و با این کار، به حاکمان تقرب می‌جستند و دارایی کسب می‌کردند؛ به قول ابن ابی‌الحدید: «فیفتعلون الأحادیث لیحفظوا بذلک عند ولائهم ویقربوا مجالسهم و یصیبوا به الأموال والاضیاع والمنازل» (همان؛ نیز ر.ک: فراتی، ۱۳۹۳، ص ۳۱-۳).

در چنین شرایطی، ضرورت حمایت‌ها از ادیبان جهت تبلیغ آموزه‌های دین، دوچندان می‌نمود.

۲-۳. جذب ادیبان و شاعران و حمایت فکری از ایشان

یکی از کارهای امامان برای گسترش تبلیغ از راه ادبیات، جذب حداکثری ادیبان و شاعران و نیز حمایت و هدایت فکری و رهبری ایشان بود. بنابراین، «نظر به فواید اجتماعی شعر این شاعران، پیشوایان هیچ‌گونه نظری به شخصیت شاعر نداشتند و نسبت به سایر شئون و اعمالشان خرده نمی‌گرفتند... همین که افکار و اشعار چنین شعری را می‌دیدند که در راه هدایت و ترویج دین و بیان حقایق، مفید است، از اعمال بدشان چشم‌پوشی می‌کردند و به آنها به دیده استرحام می‌نگریستند» (آینه‌وند، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۱۸ و ۱۱۹).

سخن‌یاد شده درست است؛ ولی باید به این نکته توجه داشت که امامان در برابر خطاهای شاعران بی‌اعتنا نبودند و در جهت اصلاح ایشان برمی‌آمدند؛ زیرا هدایتگری و اصلاح کژی‌های احتمالی شاعرانی که مبلغ دین بودند، از وظایف امام بوده است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام از شخصی مانند سید حمیری که در حوزه تفکر اندکی زاویه داشت، دستگیری کرد و او را با مناظره و یا ارائه معجزه هدایت نمود. قصیده رائیه سید، ثمره همین امر بوده است. خود سید می‌گوید:

«من قایل به غلو بودم و به غیبت محمد بن علی فرزند ابن‌الحنفیه باور داشتم. مدتی در گمراهی به سر کردم؛ تا اینکه خداوند بر من منت گذارد و امام صادق، جعفر بن محمد را پیش پای من گذارد و به واسطه او، مرا از آتش رهانید و به راه راست رهنمون ساخت» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۳).

هدایت او به دست امام، به شکل‌های مختلف نقل شده است (ر.ک: ابن‌معتز، ۱۹۹۸، ص ۵۵؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۴۵).

نمونه دیگر در این همراهی و اهتمام به هدایت و توجه به چگونگی حرکت و موضع‌گیری شاعر،



ماجرای کثیر عزه است. امامان علیهم السلام همواره بر اصل مرزبندی با دشمن تأکید داشته‌اند. امام باقر علیه السلام باری به کثیر که مروانین (عبدالملک مروان) را مدح کرده بود، تلنگر زد و فرمود:

«تو پنداری از شیعیان مایی؛ ولی آل مروان را مدح می‌کنی؟» (صدر، ۱۹۵۱، ص ۱۹۰).

در روایتی آمده است که کثیر، منظور حضرت را فهمید؛ اما به جهت تقیه چنین پاسخ داد:

«لم أقل له يا امام الهدى، إنما قلت: يا شجاع، و الشجاع حية، و يا أسد، و الأسد كلب، و يا غيث، و الغيث موات» (شریف مرتضی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۲۸۷).

گویند حضرت در پی این پاسخ، تبسم نمود و ابراز رضایت کرد.

این مسئله، نشان از توجیه و هدایت‌گری پیشوایان دین در کنار حمایت از شاعران دارد. شاعران و ادیبان مجاهد نیز در راه دوستی ولایت و ایمان به اهل بیت علیهم السلام استقامت ورزیده، در مقابل، سختی‌ها و رنج‌ها را تحمل می‌کردند.

هدایت‌گری و حمایت معنوی، نه تنها از ناحیه سیاست‌گذاری و کار ستادی و برنامه‌ریزی سازمان‌های ذی‌ربط صورت می‌گیرد، بلکه مبلغان محترم در سراسر کشور، هریک می‌توانند با کار تشکیلاتی در مساجد و محلات و شهرها و به‌کارگیری توانمندی‌های ادبی و هنری افراد، ضمن هدایت و راهبری و اصلاح برخی کژی‌ها، بر غنای تبلیغ و بُرد آن بیفزایند.

۳-۳. ترغیب به یادگیری و ترویج ادبیات

در مورد اخبار زندگی سفیان بن مصعب عبدی، در تاریخ، موارد اندکی ضبط شده است. یکی از آنها، سفارش امام صادق علیه السلام به شیعه جهت تعلیم اشعار عبدی برای کودکان است. ایشان فرمود:

«يا معشر الشيعة! علموا أولادكم شعر العبدی فإنه علی دین الله» (کشی، ۱۴۰۹، ص ۴۰۱).

همچنین است امر امام علیه السلام به عبدی یا دیگران، برای خواندن شعر او. علاوه‌براین، آن حضرت از ابوعماره درخواست نمود تا شعر عبدی را بخواند. خود او گفته است: ابو عبداللّه علیه السلام به من فرمود: «ای اباعماره! شعری را که عبدی در باره حسین علیه السلام سروده است، برای ما بخوان. من خواندم و او گریه کرد. باز خواندم و او گریست. دوباره خواندم و او اشک ریخت. به خدا قسم! من پیوسته می‌خواندم و او همچنان می‌گریست تا صدای شیون از خانه برخاست» (ابن‌قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۰۵).

امروزه، خواه ادبیات در قالب شعر یا نثر، خواه هنر در جلوه‌های متعدد مشروع خود، می‌تواند یار

مبلّغ در نشر و رساندن پیام دین به مردم در قشرهای مختلف و سنین گوناگون باشد. ترغیب به هنر و ادبیات دینی که در خدمت ارزش‌ها و اهداف دین باشد، در کنار تسلط مبلّغان بر این حوزه‌ها، می‌تواند مسیرهای تازه‌ای در نشر اندیشه‌ها و آموزه‌های دین مبین اسلام و تشیع فراروی جامعه بگشاید.

قالب‌های تبلیغ ادبی

اگر به تبلیغ با رویکرد ادبی نگاهی بیندازیم، به دو گونه و قالب اصلی می‌رسیم:
الف. نثر، شامل: سخنرانی، دعا و نگارش؛ ب. شعر.

از سوی دیگر، اگر جزئی‌تر بررسی کنیم و به شیوه‌های تفصیلی تبلیغی بودن هریک از این دو گونه کلی ادبی توجه نماییم، در آن شیوه‌هایی را مشاهده می‌کنیم که برخی از آن، در میان اهل بیت علیهم‌السلام و یاران‌شان مشترک است. در ادامه، به برخی اشاره می‌شود:

۱. بهره‌گیری از صنایع ادبی و بلاغی

نگاهی گذرا به روایات و نیز اشعار شاعران، ما را به رمزگونی و تمثیلی بودن و آکنده از تشبیه و استعاره و مجاز و کنایه بودن روایات دلالت می‌کند. طبیعتاً یکی از راه‌های آموزش و تبیین و تبلیغ مطالب عرفی و عمومی و ساده بیان کردن، آن است که از سویی، به صورت بیان رمزی و تمثیلی صورت می‌گیرد؛ تا مفهومی سترگ و بلند برای مردم قابل دسترسی و فهم گردد و از سوی دیگر، ممکن است با تشبیه و استعاره و مجاز انجام گیرد؛ تا بهتر فهم شود و به ذهن مخاطب آشنا تر باشد.

در کتاب *المجازات النبویة* اثر شریف رضی، مجازات کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیان شده است؛ به عنوان نمونه، امام زمان عجل‌الله‌فرجه در روایتی، بهره‌مندی مردم از خودشان در دوران غیبت را به صورت تشبیهی بیان فرموده: «وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۵). ایشان برای فهم مردم از چگونگی بهره‌مندی از امام در حال غیبت و پنهان بودن از دید مردم، مطلب را به صورتی تشبیهی و رمزی بیان کردند؛ تا برای آنان باورپذیر و آشنا باشد.

همچنان‌که ویژگی‌های زیبایی‌شناسی زبان در ادبیات اهل بیت علیهم‌السلام فراوان مشاهده می‌شود، موازنه و سجع و جناس و سایر آرایه‌های بدیعی، بر تأثیر و نفوذ کلام حق ایشان می‌افزود. از



همین رو نیز شعر شاعران مورد توجه قرار می‌گرفت.

امروزه نیز مبلغان برای تبیین و فهماندن بسیاری آموزه‌های دینی، نیازمند زبان مجاز و استعاره و بهره‌مندی از بلاغت متناسب با شرایط روز هستند؛ تمثیلاتی که برخی علما و روحانیون برجسته روزگار ما، همچون: مرحوم آیت‌الله حائری شیرازی، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین علی صفایی حائری و حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی، از آن به بهترین شکل بهره گرفته‌اند و توفیق این کار، در بازتاب آن میان مردم و اقشار مختلف قابل ارزیابی است.

۲. نشر و شرح روایات و آیات

یکی از شیوه‌های کار برخی شاعران و ادیبان دینی و نیز خود اهل بیت علیهم‌السلام، نشر و نقل روایات به صورت منظوم و در قالب شعر و نیز شرح و توضیح و تبیین کلام معصومان علیهم‌السلام بود. گاه از اهل بیت علیهم‌السلام سؤالی می‌شد از حدیثی از امام دیگری، و ایشان به تبیین معنای آن می‌پرداختند و معنای آن را از فهم غلط و برداشت نادرست می‌زدودند و یا معنای روز آن را بیان می‌کردند و حکم آن را منسوخ می‌دانستند.

شاعران نیز گاه به شرح و تبیین احادیث و آیات می‌پرداختند و احادیث را به زبان شعر بیان می‌کردند و بدین شکل، آموزه‌های دینی را برای مردم ترویج می‌دادند. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

الف. در روز عید غدیر، حسان بن ثابت، شاعر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با کسب اجازه از حضرت برخاست و مضمون کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در قالب شعر بیان کرد:

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيُّهُمْ	بِخُمْ وَأَكْرَمٍ بِالنَّبِيِّ مُنَادِيًا
يَقُولُ فَمَنْ مَوْلَاكُمْ وَوَلِيكُمْ	فَقَالُوا وَلَمْ يَدُوا هُنَاكَ التَّعَادِيَا
إِلَهُكَ مَوْلَانَا وَأَنْتَ وَلَيْنَا	وَلَنْ تَجِدَنَّ مِنَّا لَكَ الْيَوْمَ عَاصِيًا
فَقَالَ لَهُ فَمَنْ يَا عَلِيُّ فَإِنِّي	رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي إِمَامًا وَهَادِيًا

(همو، ۱۳۷۶، ص ۵۷۵).

ب. از شیوه‌های عبدی در تبلیغ این بود که از امام صادق علیه‌السلام حدیثی را در مناقب عترت طاهره فرا می‌گرفت و در حال، آن را به نظم می‌کشید و بر امام عرضه می‌کرد. ابن عیاش روایت کرده است که سفیان بن مصعب عبدی، خدمت حضرت ابو عبدالله امام صادق علیه‌السلام شرفیاب شد و گفت: قربانت گردم در باره سخن خدای تعالی «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلِمًا بِسِيمَاهُمْ»

(اعراف، آیه ۴۶) چه می‌فرمایی؟ حضرت فرمود: ایشان اوصیای دوازده‌گانه از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند. نمی‌شناسد خدا را، مگر آن‌که آنان را شناخته باشد و ایشان نیز او را شناخته باشند. گفت: فدایت شوم! اعراف چیست؟ فرمود: تپه‌هایی از مُشک است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اوصیای او عَلَيْهِمُ السَّلَام بر آن قرار می‌گیرند و همه را به چهره‌هاشان می‌شناسند. سفیان گفت: آیا در این باره شعری بسرایم؟ و آنگاه قصیده خود با مطلع ذیل را خواند:

و هَلْ لِّلَّيَالِ كُنَّ لِي فَيَكَّ مَرَجُعُ
أَيَا رَبُّعُهُمْ هَلْ فَيَكَّ لِي الْيَوْمَ مَرَبُعُ
(ابن‌عیاش جوهری، بی‌تا، ص ۴۹).

«ای دیار دوستان! آیا امروز درون شما برای من جایی و شب‌های مرا به سوی شما بازگشتی هست؟»

ج. سید حمیری، حدیث استعداد فقر (مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا) (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۲) را در ابیاتی بیان کرده و فهم خود را از آن به نظم کشیده است:

إِن كُنْتَ مِنْ شِيعَةِ الْهَادِي أَبِي حَسَنِ
فَاصْبِرْ وَلَا تَكْ عِنْدَ الْهَمِّ مَقْصَافَا
حَقًّا فَأَعْدِدْ لِرَبِّ الدَّهْرِ تَجَفَافَا
(سید حمیری، ۱۳۸۹، ص ۲۹۰).

«اگر شیعه واقعی امام هدایتگر، ابوالحسن [علی عَلَيْهِ السَّلَام] هستی، برای سختی روزگار تن‌پوشی فراهم کن که مصیبت به هرکه شیعه اوست، می‌رسد. پس، صبر کن و در هجوم اندوه، شکننده نباش.» این موارد، نمونه‌های فراوان دارد که ارائه آنها مجال و ویژه می‌طلبد.

مبلغانی که از پتانسیل شعر و ادبیات و هنر برای انتقال آموزه‌های دینی بهره می‌گیرند و شرح آیات و روایات را با شعر و نثر در اغراض و گونه‌های مختلف آن گره می‌زنند و از منابع مختلف در این باره بهره‌مند می‌شوند و به فراخور نیاز روز و طبع جوانان، خوراک معنوی را با چاشنی ادب و هنر، به مذاق جامعه خوش می‌نشانند، در جذب مخاطبان و جوانان جهت نشر اندیشه‌های دینی، توفیق بیشتری دارند.

گرچه جذب مخاطب در نگاه اول هدف مبلغ و واعظ و خطیب نیست، ولی آنچه از سیره امامان و پیشوایان به دست می‌آید اهتمام به مخاطبان و تأکید بر مخاطب‌شناسی بوده است، هرچه بیشتر جوانان جذب مساجد و مراکز تبلیغی شوند قطعا هدف اصلی تبلیغ زودتر و بهتر متحقق خواهد شد.

۱. باتوجه به محتوای مقاله، نتیجه می‌گیریم که امروزه نیز برای تبیین و تبلیغ دین، استفاده از ابزار شعر و هنر، یک ضرورت است و کسانی که به امر تبلیغ دین مشغول‌اند، خوب است که خود را به این سلاح بیاریند.
۲. ادبیات، به عنوان یک ابزار مهم و قوی جهت تبلیغ و ترویج آموزه‌های دینی نزد اهل بیت علیهم‌السلام شمرده می‌شده است و آن بزرگواران به مثابه سلاحی جدی بدان توجه کرده‌اند.
۳. امامان علیهم‌السلام علاوه بر جایگاه ادبی و بلاغی بالا در کلام و تسلط بر ادبیات روز و قدیم، ادیبان و شاعران پاییند به ارزش‌ها و مبلغان را بر به‌کار بستن ادبیات ترغیب می‌نمودند.
۴. ترغیب و تشویق به ادبیات، با تقویت اهل آن صورت می‌گرفت که در حمایت مادی، معنوی و هدایت فکری و جذب نیروهای متخصص جلوه می‌کند.
۵. همچنین، مردم به یادگیری و شنیدن شعر شاعران ترغیب می‌شدند. اهل بیت علیهم‌السلام، هم در عمل و هم در بیان، اصحاب خویش را به این امر ترغیب می‌کردند.
۶. شاعران، علاوه بر استفاده از ابزارهای ادبی و بلاغی در گفتار و گنجاندن محتوای مد نظر دین در کلام و شعر خود، به نقل، شرح و بیان احادیث نیز با زبان ادب همت می‌گماردند.
۷. در مجموع، شعر و ادبیات و به طور کلی، هنر، به فراخور هر دوره می‌تواند از جمله بهترین ابزارها برای تبلیغ و ترویج دین باشد.
۸. آنچه در این نوشتار آمد، نگاهی اجمالی به اصل مهم توجه به هنر و ادبیات با تأکید بر شعر در تبلیغ آموزه‌های دین بود و می‌تواند علاوه بر گسترش و نگاه جزئی‌تر به این مسئله، در جنبه روزآمد کردن این اصل کلی، متناسب با نیاز جامعه امروز و مطالبه جوانان و اقشار مختلف، بومی‌سازی گردد؛ زیرا اصول، همواره ثابت هستند؛ اما روش‌ها، قابلیت تغییر و انعطاف دارند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. رضی، محمد بن الحسین، ۱۴۰۷ق، نهج البلاغه، تحقیق: د. صبحی الصالح، الطبعة الأولى، قم المقدسة، مؤسسة دار الهجرة.
۳. ابن أبي الحديد المعتزلي، عزالدین أبي حامد عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۲۶ق، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد أبي الفضل ابراهيم، الطبعة الأولى، بغداد، دار الكتاب العربي.
۴. ابن بابويه، محمد بن علی، ۱۳۹۵ق، کمال الدین وتمام النعمة، تصحيح: علی اکبر غفاری، تهران، چاپ دوم، اسلامیه.
۵. _____، ۱۴۱۳ق، من لا يحضره الفقيه، تصحيح: علی اکبر غفاری، قم، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۶. _____، ۱۳۷۶ش، الأمالی، تهران، چاپ ششم.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، مناقب آل أبي طالب عليه السلام، قم، چاپ اول، علامه.
۸. ابن عساکر، ابوالقاسم علي بن الحسن، ۱۳۸۹، تاریخ ابن عساکر، بیروت، مؤسسة المحمودی.
۹. ابن عیاش جوهری، احمد بن عبدالعزيز، بی تا، مقتضب الأثر في النصّ علی الأئمة الاثني عشر، قم، چاپ اول.
۱۰. ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۱۳۵۶ش، کامل الزیارات، تصحيح: عبدالحسین امینی، نجف اشرف، چاپ اول، دار المرتضوية.
۱۱. ابن معتز، عبدالله بن متوکل، ۱۹۹۸م/۱۴۱۹ق، طبقات شعراء المحدثین، تصحيح: عمر فاروق طباع، بیروت، چاپ اول، دار الأرقم بن أبي الأرقم.
۱۲. أبو الفرج اصفهانی، علی بن الحسین، ۱۹۹۴م/۱۴۱۵ق، الأغاني، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. آیینه‌وند، صادق، ۱۳۵۹، ادبیات انقلاب در شیعه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. بغدادی، عبدالقادر بن عمر، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م، خزانه الأدب ولب لباب لسان العرب، تصحيح: عبدالنبیل طریفی، بیروت، چاپ اول، دار الکتب العلمیة.



۱۵. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۷۹، ادبیات و تعهد در اسلام، تهران، چاپ یازدهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. ری شهری، محمد، ۱۳۷۷، میزان الحکمة، قم، چاپ اول، مؤسسه دار الحدیث.
۱۷. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، ۱۹۹۹م/۱۴۱۲ق، ربیع الأبرار ونصوص الأخیار، تصحیح: عبدالأمیر مهنا، بیروت، چاپ اول، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۸. سید حمیری، اسماعیل بن محمد، ۱۳۸۹ش، دیوان السید الحمیری، تصحیح: شاکر هادی شکر، قم، مکتبه منشورات الحیدریة.
۱۹. شریف مرتضی علم الهدی، علی ابن الحسین، ۱۹۹۸م، آمالی، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، چاپ اول، دار الفکر.
۲۰. صدر، حسن، ۱۹۵۱م، تأسیس الشیعة لعلوم الإسلام، عراق، دار الکتب العراقیة.
۲۱. فراتی، علی اکبر، ۱۳۸۷، «جلوه‌هایی از آیین سخنوری در دستور سخن نهج البلاغه بر پایه شرح ابن ابی الحدید»، مجله علوم حدیث، پاییز و زمستان، ش ۴۹ و ۵۰.
۲۲. _____، ۱۳۹۲، «بررسی محتوایی حدیث «من أحبنا أهل البيت فليستعد للفقير جلبابا أو تجفafa» و نقد آرای پیرامون آن»، علوم حدیث، پاییز، ش ۶۹.
۲۳. کراجکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ق، کنز الفوائد، تصحیح: عبدالله نعمة، قم، چاپ اول، دار الذخائر.
۲۴. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، رجال الکشی؛ اختیار معرفة الرجال، تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد، چاپ اول، انتشارات دانشگاه مشهد.



The Place and Role of Literature in Propagating Religious Teachings With Emphasis on Poetry

Ali Akbar Forati*

Abstract

Propagation has various tools, one of the most important effective tools of propagation is literature and art, which itself has many forms and has been considered in Islam. In addition to the Holy Quran, the verbal miracle of the Prophet (PBUH), the eloquence and fluency of the Fourteen Infallibles as well as their mastery of their ancient and contemporary literature and its use in speeches and hadiths, and the material and spiritual support of literary men and poets who are preachers of religion and Shiism, the advice of the people to refer to these literary men preachers, and their cultural intellectual attraction and guidance on the other hand, clarify the importance of paying attention to literature in the matter of propagation. Furthermore, the study of literary types of poetry and prose in the words of Imams and their followers, on the one hand, has verbal beauties along with high quality content and meaning, and has used code, metaphor, and simile to convey the message of religion, and on the other hand, it has been the provider of the elaboration, explanation or reflection of some restrictions or scripts in the narrations, which has helped to convey the concepts to the society. The current study seeks to highlight the importance of this issue in propagation by referring to some examples so that today's preacher can use effective tools, such as literature and art, according to the needs of the day.

Keywords

Literature and propagation, literature of Ahl al-Bayt (AS), methods of propagation.

* Faculty member of the Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran: a.forati@ut.ac.ir.